

## نظری به تحقیقات اجتماعی

با اهمیتی که امروزه علوم اجتماعی در اغلب ممالک خاصه ایران پیدا کرده است زمینه انجام بررسیها و مطالعات اجتماعی بیشتر شده و هرروزه بصور مختلف شاهد ارائه برخی مطالعات در زمینه این مسائل هستیم .

باید اذعان کرد که تا کنون در این زمینهها در ایران مطالعه دقیق و جامعی که بتوان بر نتایج آن تکیه کرده و آنرا اساسی برای انجام برنامه ریزیهای اجتماعی و اقتصادی قرار داد کمتر بدست آمده است ، علت این امر از يك سو جوانی این علوم در ایران و مهیا نبودن وسائل لازم برای رشد آنها و از سویی کمبود کادر محقق ورزیده است. با مراجعه ای بمطالعات انجام شده در این زمینه و تعمق در هر يك به برخی اشکالات و نواقص موجود بر میخوریم که توجه به آنها نهایت ضرورت را دارد . با توسعه علم آمار و استفاده از آن در علوم اجتماعی مسائل خاصی برای این علوم مطرح میشود ، مفهومی که با دخالت بیش از پیش در علوم اجتماعی مطرح میشود موضوع نمونه گیری است .

سود گرفتن از آمار برای علوم اجتماعی امری بسیار لازم است و حائز فوائد بیشمار میباشد ، باین ترتیب میتوان این دسته از علوم را جنبه کمی داد و با استدالات ریاضی به تبیین مسائل آن پرداخت و از حالت فلسفی صرف بودن و خود بخود احکام ارزش داشتنی تسا حلودی رهائی بخشید و خود بخود بر قاطعیت قضاوتهايش افزود و آنرا در ردیف علوم دیگر در آورد .

لکن تردید نیست که علوم اجتماعی بعلت دارا بودن طبیعت خاص نمیتوانند صرفاً مورد محاسبه کمی قرار گیرند و از جنبه نظری و فلسفی بکلی خارج شوند. بنابراین آمار وسیله‌ای برای تبیین بهتر مسائل اجتماعی خواهد بود.

فی‌المثل با انجام برخی محاسبات آماری میتوان به نتایج خاصی رسید لکن تا چه حد در عمل قضاوت ما با واقع منطبق باشد معلوم نیست. امروزه خطر استفاده مفرط از آمار تنها دامنگیر علوم اجتماعی نیست، بلکه علوم پزشکی نیز بی نصیب نمانده است. نشان بارز آنرا درباره رابطه‌هایی که مثلاً بیماری سرطان ممکنست با مصرف مواد خاصی داشته باشد مورد مطالعه کمی قرار میدهند و در روابط آماری نیز همبستگی‌های معنی‌دار لازم را مشاهده میکنند و نتایج آنرا ارائه میکنند و بر آن تأکید بسیار دارند و حال آنکه نظیر این نوع روابط همبستگی را میتوان با بسیاری عوامل دیگر نیز بدست آورد بدون آنکه اساساً هیچگونه رابطه معقولی بین دو عامل مورد محاسبه باشد.

مطالعاتی که امروزه در زمینه علوم اجتماعی خاصه در مسائل پاتولوژی شهری انجام میشود نیز خالی از این نقیصه نیست. در این مسائل موضوع آمار مورد استناد از جنبه دیگری مطرح میشود و آن کیفیت نمونه مورد مطالعه است.

فی‌المثل وقتی محقق اجتماعی میخواهد در باره مسئله خاصی مثلاً فحشاء مطالعه کند نمونه‌هایی را که مورد بررسی قرار میدهد فقط از نوع خاصی است که افرادش در موقعیت خاصی قرار دارند، بی آنکه در اصل از جامعه مورد مطالعه آماری خود حدود و تعریف درستی بدست داده باشد و نمونه‌گیری اوجامع و مانع باشد و طبیعی است وقتی جامعه ما تعریف معینی نداشت از نمونه‌هایی هم که در آن قرار میگردد و ملاک محاسبه نهائی خواهد بود نتیجه درستی عاید نخواهد شد، زیرا در این

مطالعه فقط گروه خاصی را که در محل معینی قرار دارند مورد بررسی قرار داده‌ایم و توجه به مفهوم واقعی موضوع و گروه نمونه‌ای کامل نداشته‌ایم، چه بسا افرادی میباید در نمونه ما قرار گیرند که اصولاً توجهی بوجود آنها نداشته‌ایم.

در مورد دیگر فرضاً وقتی محقق جامعه‌شناس بخواهد علل اجتماعی و روانی جرائم برضد مالکیت را دریابد فقط قشر خاصی را که دارای اتهامات نسبتاً جزئی هستند و احیاناً درزندان میباشند مورد تحقیق قرار خواهد داد بی آنکه قبلاً مفهوم موضوع مورد بررسی خود را بدرستی روشن کرده باشد، چه بسا افرادی احتمال دارد در اجتماع روحیه سوء استفاده و تجاوز بحقوق دیگران و اضرار بغير را بانحاء مختلف دارا باشند بدون اینکه برای آنان پرونده جنحه تشکیل شده باشد و یا اصولاً سابقه قانونی بزه داشته باشند. چون محقق نوباً فقط به دسته اول توجه دارد و انگیزه‌هائی را برای وقوع این جرائم صرفاً از طریق بررسی نمونه‌های نوع اول بدست میدهد خواه ناخواه به نتایج درستی نمیتواند برسد.

نکته دیگری که باز در این مورد اهمیت دارد تعداد نمونه مورد لزوم برای انجام هر تحقیق خاصی است، برای اینکه به مطالعه مسئله اجتماعی خاصی پردازیم و علل واقعی آنرا بازشناسیم محتاج به مطالعه نمونه‌های درستی بتعداد کافی هستیم، عجله محقق برای بیان نتایج تحقیق نباید ازدقت کار او بکاهد، زیرا آنچه مهم است کیفیت کار است و چون تحقیقات اجتماعی در ایران در مراحل نخستین است جا دارد که محقق همواره توجه همه‌جانبه نسبت به مسائل اجتماعی داشته و از تعمیم نتایجی که از گروه‌های کوچک ناقص بدست میآید بر گروه‌های بزرگ خودداری کند.